

خاستگاه اندیشه سلفی جهادی و تکفیری در دوره معاصر

میرهادی حسینی^۱، دکتر حسین مفتخری^۲، ماجد صدقی^۳

(دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴، پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱)

چکیده

پیدایش جنبش‌های سلفی در دهه‌های اخیر پرسش‌هایی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فکری برانگیخته است. ایدئولوژی مطرح شده از سوی رهبران این گروه‌ها، مبتنی بر بازگشت به اسلام راستین، موجب پرسش و جست‌وجو در باب نسبت میان اندیشه این گروه‌ها با دین اسلام و کتاب و سنت پیامبر اکرم (ص) گردیده است. در این مقاله، عقاید این گروه‌ها ریشه‌یابی و تبارشناسی خواهد شد و تا حدی به زمینه‌های بروز این اندیشه‌ها نیز می‌پردازیم. گرچه ریشه‌های سلفی‌گری را به دوران صدر اسلام باز می‌گردانند، در مجموع این طرز فکر و عمل، زیر سایه اندیشه‌های ابن تیمیه قرار دارد. این مقاله، به روش توصیفی و تحلیلی تنظیم و در آن تنها به نمونه‌هایی از جریانهای سلفی در سالیان متأخر اشاره شده است. از میان اندیشه‌های مؤثر در شکل‌گیری سلفی‌گری، تنها به بررسی آراء مودودی و سیدقطب به اختصار پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی: سلفی‌گری ابن تیمیه، وهابیت، سنوسیه، مهدویه، مودودی، سیدقطب.

-
۱. استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)، Hosseini@khu.ac.ir
 ۲. استاد گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، moftakhari@khu.ac.ir
 ۳. دانشجوی دوره دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه خوارزمی، M1351S@GMail.com

مقدمه

جریان سلفی‌گری در جهان اسلام در دهه‌های اخیر چهره‌ای خشن، ارتجاعی و انعطاف‌ناپذیر از دین اسلام عرضه کرده است. در دهه‌های اخیر، سه گروه القاعده و طالبان و داعش در غرب آسیا، حامل پیام‌های ایدئولوژیک به جهان بوده‌اند: تأکید بر سلفی‌گری و جهاد برای برپایی خلافت و امارت اسلامی و اجرای ظواهر شریعت و تکفیر مخالفان. بنابر ادعای رهبران این گروه‌ها، همه این آموزه‌ها و رفتارها، ریشه در اسلام راستین دارد و همین فهم از اسلام است که نجات بخش مسلمانان از وضعیت نابسامان کنونی است.

القاعده به رهبری اسامه بن لادن در پیشاور پاکستان و در بحبوحه سلطه شوروی بر افغانستان تأسیس شد. رهبران این شبکه، جهاد را مهم‌ترین حکم از احکام اسلامی می‌دانستند و رسالت خود را برقراری حاکمیت خداوند بر زمین و مبارزه با کافران و بیگانگان. اصلی‌ترین آموزه‌های این گروه عبارت بود از سلفی‌گری، غرب‌ستیزی و شیعه‌ستیزی. گروه طالبان که بر اساس تفکر فقهی و فکری حنفی- وهابی بنیاد گذاشته شد، آموزه‌های خود را بر تکفیر مخالفان و اجرای ظواهر شریعت اسلامی و برقراری حاکمیت دینی در جامعه اسلامی قرار داد. یورش آمریکا به عراق و اشغال آن کشور در ۲۰۰۳ م، زمینه را برای شکل‌گیری گروه داعش (= دولت اسلامی عراق و شام) فراهم کرد. داعش که همچون دو گروه پیشین در ردیف سلفی‌های افراطی یا جهادی قرار می‌گیرد، همچنان معتقد به غرب‌ستیزی و شیعه‌ستیزی است و با کشتارهای وحشیانه مخالفان، سیمایی وحشتناک از اسلام و مسلمانان به جهانیان نشان داد.

در این مقاله، مسأله اصلی این است که عقاید و باورهای گروه‌های سلفی جهادی در عصر حاضر از کجا ریشه می‌گیرد و چه بنیادهایی دارد؟ همچنین آبشخور اصلی ایدئولوژی این گروه‌های تکفیری در آراء کدام یک از اندیشمندان و جریان‌های فکری معاصر است؟ در این راه، نگارندگان ضمن اشاره به ریشه اندیشه‌های سلفی در تاریخ، به ویژه رویکردهای اصحاب حدیث و نیز نقش مهم ابن‌تیمیه در سده‌های میانی برای پایه‌گذاری و صورت‌بندی سلفی‌گری، از میانی فکری وهابیت در جزیره‌العرب، سنوسیه در آفریقا و مهدویه در سودان سخن به میان می‌آورند و در ادامه به معرفی نمونه‌هایی از جریان سلفی جدید در نیمه دوم قرن بیستم در مصر می‌پردازند و در این میان، بر نقش بسزای ابوالاعلی مودودی و سیدقطب در پایه‌ریزی تفکر سلفی جهادی تأکید خواهد شد.

۱. واژه شناسی سلفی

در لغت، سلف به معنی گذشتن و نیز گذشته آمده است و از این رو به پیشینیان و نسل‌های گذشته «سلف» اطلاق می‌شود (نک: ابن‌منظور، لسان العرب، ۱۵۸/۹ البستانی، ۹۴۹؛ عرب، ۴۴۷). در معنی اصطلاحی، سلف و سلفی اختلاف نظر است. در مفهوم عام، سلفی کسی است که به دین اسلام تمسک جسته و خود را در پیروی از پیامبر اکرم و صحابه و تابعین ملزم می‌داند. گاهی سلف صالح تنها بر صحابه و تابعین و برخی از پیروان تابعین اطلاق شده است (طبسی، ۱۴). به نظر محمدسعید رمضان بوطی^۱ سلف، یعنی مسلمانان و عالمان سه سده نخست تاریخ اسلام. از منظر سید عبدالعزیز سیلی^۲ کسانی که به اصول فقهی امامان چهارگانه اهل سنت پای بندی دارند، سلفی خوانده می‌شوند. ابوزهره^۳ نیز سلفیه را وهابیان پیرو احمدبن حنبل دانسته است، با این توضیح که ابن تیمیه، آراء احمد بن حنبل را بازسازی کرد و توسعه داد و آن افکار، در قرن ۱۲ق با کوشش محمد بن عبدالوهاب در شکل جنبش وهابیت ظاهر شد (رضوانی، ۱۴-۱۶). واژه سلفیت یا سلفی‌گری اصطلاحی است حاکی از تعلق خاطر به گذشته و این فکر، مشروعیت خود را در افکار و اعمال «سلف صالح» پی‌جویی می‌کند. این واژه در کتابها و آثار فقها و محدثان کاربرد بسیار دارد و غالباً به معنای روی‌آوردن به گذشته و آموختن و اقتباس از آن است. گویا نخستین بار ابن تیمیه بود که در *الفتوی الحمویة الکبری* این اصطلاح را به معنای خاصی وارد ادبیات جهان اسلام کرد (عزیزی و قره‌زاده شربانی، ۱۱-۱۲). در این مقاله، مقصود از سلفیه معنای خاص آن است، یعنی اندیشه و جریانی اجتماعی و مذهبی در میان اهل سنت که متأثر از اندیشه‌های ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب است و در عصر حاضر، با تشکیل گروه‌های جهادی، سلفیه جدید خوانده می‌شوند (نک: ادامه مقاله).

۲. خاستگاه اندیشه‌های سلفی

بی‌تردید اندیشه‌های سلفی در جهان معاصر و عصر جدید خاستگاهی تاریخی دارد. می‌توان ریشه‌های سلفی‌گری معاصر آرا در دیدگاه‌های اصحاب حدیث و اولین رویایی

۱. کتاب السلفية مرحلة زمنية

۲. کتاب العقيدة السلفية

۳. کتاب تاریخ المذاهب الاسلامیة

ایشان با اصحاب رأی جست‌وجو کرد (نک: مدخل "اصحاب حدیث" و "اصحاب رأی" در *دایره المعارف بزرگ اسلامی*). پس از گسترش امپراتوری اسلامی در عصر عباسی و ورود اندیشه‌های جدید از تمدن‌های دیگر و ترجمه علوم اوایل به زبان عربی و رشد عقل‌گرایی، اندیشه‌های اعتزالی رونق گرفت، اما مکتب اعتزال از منظر سیاسی نتوانست حمایت خلفای عباسی را بجز دوره کوتاه مأمون‌الرشید، معتصم و واثق، جلب کند. از این‌رو، مقاومت اصحاب حدیث در برابر اندیشه معتزله و پیروی عامه مردم از اصحاب حدیث، در جلب حمایت خلیفه متوکل مؤثر افتاد و در این میان، احمد بن حنبل به عنوان قهرمان ماجرای محنه (نک: صابری، ج ۱، ۱۳۳-۱۴۰) جایگاهی ویژه یافت. پیروان احمد بن حنبل که نقش مهمی در ایجاد مکتب فقهی و فکری وی داشتند، توانستند نقش فعالی در حوزه‌های فکری و فقهی در مرکز خلافت عباسی در سده‌های میانی ایفا کنند. هجوم مغولان به سرزمین‌های اسلامی و سقوط خلافت عباسی، فضای فکری و اجتماعی جدیدی رقم زد و آثار و پیامدهای عمیقی پدید آورد. در سرزمین شام و مصر که مسلمانان در سده‌های پنجم تا هفتم ق متحمل نبردهای صلیبی شده بودند، در سده هفتم ق با یورش ویرانگر مغولان به جهان اسلام روبه‌رو شدند. در این میان، ابن تیمیه^۱ در اصلاح جامعه از کژی‌ها و انحرافات، برای خویش شأنی قائل بود و بازتولید اندیشه‌های احمد بن حنبل را مقصد خود قرار داد؛ چندان که کوشش‌های وی و شاگردش ابن‌قیم جوزیه توانست مبنای حرکت‌های سلفی در سده‌های بعد و تاریخ معاصر باشد: برخی از رهبران جنبش اصلاح‌گری مانند محمد عبده، مودودی، حسن البناء و رشید رضا وام‌دار او هستند.

ابن تیمیه در یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخ می‌زیست: خلافت عباسی در بغداد سقوط کرده بود؛ سپاهیان هلاکو از فرات گذشته و روی به سوی شام داشتند، اما در نبرد عین‌جالوت از ممالیک شکست خوردند. از سوی دیگر، اتحاد صلیبیان با مغولان جبهه دشمنان را تقویت کرده بود (موسی، ۱۶-۲۲). وضع آشفته اقتصادی و معیشتی مردم، کشمکش‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی مسلمانان در شام و مصر و گسترش طریقت‌های صوفیانه که با خرافات آمیخته بود، همگی بر رکود و انحطاط جامعه اسلامی

۱. تقی‌الدین ابوالعباس احمد بن شهاب‌الدین عبدالحلیم بن مجدالدین عبدالسلام بن عبدالله بن ابی القاسم محمد بن الخضر بن محمد بن الخضر الحرنائی دمشقی الحنبلی، از مشاهیر علماء در سال ۶۶۱ ق در شهر حران شام، متولد شد و در سال ۷۲۸ ق در دمشق درگذشت.

آن روزگار دلالت داشت (نک: اسماعیل، ۲۳). ابن تیمیه به زعم خود بر آن بود تا از طریق احیای اندیشه‌های اسلام راستین بر مبنای تفکر سلف صالح که از سنت و سیره پیامبر (ص) و خلفای نخستین فهم می‌کرد، عظمت و قدرت مسلمانان را بازگرداند (نک: موسی، ۲۷؛ نیز اسماعیل، ۲۴-۲۵؛ علیخانی، ج ۴، ۲۸۲). ابن تیمیه عقیده داشت که متکلمان نظام فکری خود را بر عقل بنا کرده‌اند، محدثان بر حدیث و متصوفه بر اراده و هر سه به راه خطا رفته‌اند؛ باید نظام فکری مسلمانان بر اساس روش سلف صالح بنیان گذاشته شود. به نظر او، سلف صالح به عقل صرف اعتنا نداشت، بلکه آن را همراه‌کننده می‌دانست، مگر آنکه آیات قرآن به آن رهنمون کرده باشد (نک: زاهدی، ۲۸-۲۹).

حیات علمی و اجتماعی و سیاسی ابن تیمیه در مبارزه با مخالفانش گذشت و او در ابراز عقاید خود از هیچ‌کس باک نداشت (نک: زریاب، ۱۷۱). مبارزه‌های او به ساحت عملی نیز کشیده شد: وی در میدان جهاد با صلیبیان حضور یافت و سلاطین مملوکی مصر را ضد مغولان برانگیخت. او در ساحت نظری کوشید تا اندیشه دینی و علوم شرعی را از انحصار فقیهان و متصوفه رها کند و با آنچه بدعت‌های زمانه خود می‌پنداشت بستیزد؛ از این‌رو مخالفانی جدی از طبقات گوناگون داشت و بارها به زندان افتاد (اسماعیل، ۲۴). زندگی ابن تیمیه زاهدانه می‌گذشت و او در سراسر عمر خود جز به بحث و مطالعه و تصنیف و مبارزه به کار دیگری نپرداخت، ازدواج نکرد، از فرمانروایان و شاهان هدیه نپذیرفت و به اندک روزی قانع بود (عبدالحمید، ۴۱). در برابر کسی کرنش نمی‌کرد و با امرا و صاحب منصبان استوار و بی‌پروا سخن می‌گفت. خود را در شریعت و فقه حنبلی سرآمد می‌دانست. در داوری نسبت به بزرگان دین بی‌پروا بود و گاه بر علماء و فقهای پرآوازه خرده می‌گرفت (نک: زریاب، ۱۷۷). ابن تیمیه بر حضور و نقش مردم در حکومت تأکید داشت، به ویژه در زمانه‌ای که زمامداران ناشایست به قدرت رسیده بودند (نک: اسماعیل، ۲۹). وی به انتخاب حاکم از طریق شورا عقیده داشت (العجم، ۲۰۹) و هدف از برپایی حکومت اسلامی را امر به معروف و نهی از منکر و ترویج دین‌داری و تقرب به خدا می‌دانست (علیخانی، ج ۴، ۲۹۰).

۳. سلفی‌گری وهابی و سنوسییه و مهدویه و زمینه‌های رشد آنها

هجوم استعمارگران اروپایی از اواخر سده هجدهم تا اوایل سده بیستم م به سرزمین‌های اسلامی و شکست‌های پی‌درپی دولت‌های بزرگ مانند عثمانیان، قاجاریان و گورکانیان

از اروپاییان، موجب تحولات و پیامدهای گسترده در کشورهای اسلامی شد. هلندی‌ها جزیره جاوا را اشغال و بریتانیایی‌ها برتری خود را در هندوستان تثبیت کردند و فرانسوی‌ها بر مناطقی از شمال و غرب آفریقا چنگ انداختند. روسیه تزاری میان سال‌های ۱۸۴۶ و ۱۸۸۵ م، بسیاری از سرزمین‌های مسلمان را در آسیای مرکزی و قفقاز تحت سلطه خویش گرفت. پس از جنگ جهانی اول، استعمار انگیس و فرانسه سرزمین‌های زیر سلطه امپراتوری عثمانی را مستعمره خود کردند. احساس عقب‌ماندگی از پیشرفت‌های علمی و صنعتی غرب در میان جوامع اسلامی، اندک‌اندک اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه را در میان نخبگان و اندیشمندان مسلمان ظاهر کرد. اندیشه‌های اصلاحی زمینه را برای جریان‌های اصلاح‌طلبی از طیف‌های گوناگون از سکولاریسم افراطی تا اسلام‌گرایی بنیادگرا از غرب جهان اسلام تا شبه قاره هند پدید آورد. در این مقاله، تنها به چند جنبش مهم در سده‌های نوزدهم و بیستم م اشاره خواهد شد که در شکل‌گیری جریان‌های سلفی جهادی و تکفیری در دهه‌های اخیر مؤثر بوده‌اند.

۳-۱. سلفیه وهابی

مشهورترین جنبشی که در جزیره‌العرب در قرن ۱۸م آغاز شد و در واقع می‌توان آن را پیش‌تاز جنبش‌های سلفی جدید تلقی کرد، وهابیت است. محمد بن عبدالوهاب بنیانگذار این جنبش در نجد عربستان فعالیت داشت. نزدیکانش دیدگاه‌های وی را طرد کردند، اما او توانست به زودی طرفداران دیگری بیابد. اندیشه او با قدرت سیاسی آل سعود پیوند یافت و بدین ترتیب توسعه و گسترش فکر وهابی، در پیدایش جریان‌های فکری و اجتماعی و سیاسی در دنیای معاصر اسلام سخت مؤثر افتاد. شگفت آنکه، جزیره‌العرب جز در سال‌های آغاز ظهور و گسترش اسلام، همواره در حاشیه جهان اسلام بود و دو شهر مکه و مدینه تنها جایگاهی معنوی داشتند، اما در دوره معاصر، اولین جرقه‌های جنبش‌های افراطی در جهان اسلام از همان جا ظاهر شد.

محمد بن عبدالوهاب^۱ سالهایی دراز از زندگی خود را به علم اندوزی گذراند و به بسیاری از سرزمین‌ها و شهرها مانند بصره، بغداد، کردستان، همدان، اصفهان، دمشق و قاهره سفر کرد و در سال تاج‌گذاری نادرشاه (۱۷۳۶م) به اصفهان رفت و به مدت چهارسال در آن شهر فلسفه مشاء، فلسفه اشراق و تصوف آموخت. محمد بن عبدالوهاب

۱. زاده ۱۱۱۵ق/۱۷۰۳م.

در حدود سال ۱۷۴۰م به زادگاه خود^۱ بازگشت و در همان سال اثر مهم و مشهور خود «کتاب التوحید» را تألیف کرد که در بردارنده طرح مذهبی وی بود (حائری، ۷۴-۷۵) و از همان سال، مذهب خود را تحت عناوین اصلی و کلی مبارزه با بدعت و خرافه در اسلام و بازگشت بدان چه وی سنتهای واقعی، حقیقت و تهی از آلودگی اسلام می‌نامید به تدریج اعلام و تبلیغ کرد. محمدبن سعود امیر درعیه دعوت وی را پذیرفت (ضیایی و رفیعی، ۱۵-۱۶). آموزه‌های محمد بن عبدالوهاب نخستین پاسخ برای اندیشه اصلاح‌طلبی در وضعیت آن روز جامعه اسلامی است (حائری، ۷۸). عبدالوهاب بازگشت به راستی‌کیشی و پیروی دقیق از سیره پیامبر اکرم (ص) را با تأکید خاص بر توحید تبلیغ می‌کرد (رجایی، ۱۲). ویژگی‌های اساسی آموزه‌های وهابیت که در اکثریت جنبش‌های سلفی تکرار شده، به این قرار است:

۱. توحید که بر اساس آن بسیاری از اعتقادات سایر فرق اسلامی را مصداق شرک می‌دانست.
۲. امر به معروف و نهی از منکر که از آن به عنوان قدرت محرکه جنبش خویش بهره برد.

۳. جاهلیت مصداق وضع کنونی جهان اسلام (نک: پاکتچی، تعریف و رابطه دو مفهوم، ۳۶)

باید اذعان کرد که گرچه میان اندیشه‌های محمد بن عبدالوهاب، ابن تیمیه و احمد بن حنبل شباهت بسیار است (شیرودی، ۲۴)، صورت‌بندی جدید از اصل امر به معروف و نهی از منکر، به گسترش نظر محمد بن عبدالوهاب در میان پیروان تندرو و جریان‌های افراطی اهل سنت در جهان اسلام شد.

۲-۳. سلفیه سنوسیه

جنبش سنوسی، حرکتی با خاستگاهی صوفیانه در برابر استعمار در آفریقا بود. محمدبن‌علی‌السنوسی^۲ بنیانگذار این جنبش در واکنش به رکود و عقب ماندگی مسلمانان قصد داشت طرحی نو دراندازد (صلابی، ۲۸). وی بسیار سفر می‌کرد و در حجاز با افکار و اندیشه‌های محمد بن عبدالوهاب آشنا شد، سپس به مغرب بازگشت و دعوت خویش را آشکار کرد. از او در حدود ۴۰ کتاب به یادگار مانده است (صلابی،

۱. عینه.

۲. زاده ۱۲۰۲ق در مستغنام الجزایر.

۱۲۹). در باب پیوند میان اندیشه سنوسیه و وهابیت می‌توان گفت که این جریان انعطاف و روشن‌بینی بیشتری داشت، زیرا سنوسی‌ان آموزه‌های صوفیانه خود را با اندیشه‌های وهابیت درهم آمیختند. سنوسی دریافته بود که پیروی از نظام سنتی تصوف نمی‌توان تحولی جدید بیافریند، از این‌رو با تمرکز و تاکید بر تعلیم و تربیت و زندگی زاهدانه، کوشید مفاهیم اسلامی را بازخوانی کند و با استفاده از اصل اجتهاد در اسلام و بهره‌مندی از علوم جدید در تربیت نسل جدیدی از پیروان خود همت گماشت. وی با تاسیس زاویه‌ها (خانقاه‌ها) در بیرون شهرها، فضای مناسبی برای تربیت شاگردان خود یافت (نک: صلابی، ۱۵۱-۱۶۹). سنوسی‌ان و رهبران‌شان بعدها در مبارزه با استعمارگران اروپایی نقش مهمی در شمال آفریقا به ویژه کشور لیبی ایفا کردند. شایسته یادآوری است که شیوه‌های تعلیمی ابتکاری این مراکز، توجه جنبش‌های سلفی جدید مانند طالبان را جلب کرد و کوشیدند از آن بهره‌برداری کنند.

۳-۳. سلفیه مهدویه

یکی از جنبش‌های سلفی در اواخر قرن ۱۹م در سودان شکل گرفت و بنیانگذار آن محمداحمدسودانی، با دعوی مهدویت در برابر استعمار بریتانیا قیام کرد (نک: البکری، ۲۵). ظلم و ستم حاکمان محلی و نیز دخالت‌های حاکمان مصری و استعمارگران و نفوذ فرهنگ غربی در سودان زمینه را برای رشد قیام مهدی‌سودانی فراهم آورد (نک: القدال، ۴۶). وی پیش از رهبری قیام، شیخ یکی از طریقت‌های صوفیانه بود و از سوی دیگر با المهدی جانشین محمد بن علی سنوسی پیوند داشت؛ از این‌رو جنبش وی متأثر از جنبش اصلاحی و ضد استعماری سنوسی بود. پیکارجویی و اندیشه تکفیری وی او را به جنبش وهابیت نزدیک می‌کرد، اما گرایش‌های صوفیانه و نیز ادعای مهدویت و انحصار رهبری در خود، وجه تمایز او از وهابیت بود (در باره اشتراکات و افتراقات این جنبش با دیگر جنبش‌های عصر خود، نک: اسماعیل، ۴۸-۴۹). مهدی ساده‌سازی مفاهیم و انگارهای مذهبی را یکی از عوامل موفقیت بازگشت مسلمانان به اسلام حقیقی می‌دانست و نیز اجتهاد را به عنوان یکی از ارکان دعوت خویش اعلام کرد و از سایر مکاتب فقهی تبری جست. با این همه، او برخی از تفاسیر قرآن و کتب سایر مذاهب را تأیید می‌کرد. ساده‌زیستی یکی دیگر از اصول مهم دعوت او بود و برای جلوگیری از اسراف در جشن‌ها، دستور داد تا مراسم عروسی لغو شود (نک: الکردفانی، ۲۲۰-۲۳۶)، موضوعی که بعدها در آموزه‌های شکری مصطفی بنیادگذار جماعة المسلمین هم دیده شد.

۴. پیشگامان سلفی جهادی در سده اخیر

در مصر، محمدرشیدرضا (۱۸۶۵-۱۹۳۵م) برخلاف استادش شیخ محمدعبد، اصلاح‌گری را به سوی سلفی‌گری از نوع وهابی کشاند. محمدرشیدرضا تحت تأثیر ابن‌تیمیه و اندیشه‌های محمدبن‌عبدالوهاب در ترویج تفکر سلفی بسیار کوشید. وی را می‌توان از اصلاح‌طلبان اسلام‌گرای سلفی دانست که بر اسلام‌گرایان قرن اخیر بسیار تأثیر نهاد. از جمله، تأثیر تفکر محمدرشیدرضا بر اندیشه‌های حسن‌البناء (۱۹۰۶-۱۹۴۹م) بنیان‌گذار اخوان‌المسلمین قابل ملاحظه است. اخوانی‌های اولیه به تأسی از رهبر و اولین مرشد عام خود دیدگاه‌های اعتدالی داشتند، ولی گروهی از نسل‌های بعدی با الهام از اندیشه‌های سیدقطب به گرایش‌های افراطی تمایل یافتند. در دوره جمال عبدالناصر سرکوب تشدی شد و عموم فعالان اسلام‌گرا به زندان افتادند و این موضوع، بازاندیشی بسیاری از پیروان اخوان‌المسلمین را در پی داشت.

نظر جمال عبدالناصر در جلوگیری از تعدد حزبی، میان او و اخوان‌المسلمین برحوردهایی پدید آورد و سرانجام کار به ترور نافرجام وی منتهی شد (بیومی، ۲۷-۲۸). در پی آن، فعالیت‌های اخوان‌المسلمین ممنوع اعلام گردید و بسیاری از رهبران آن زندانی و گروهی هم اعدام شدند. با کاهش فشار و خروج اخوانی‌ها از زندان در دهه ۶۰م، جوانان سازماندهی براساس کتاب *معالم فی الطریق سید قطب* را آغاز کردند. حکومت بار دیگر احساس خطر کرد و موج دستگیری‌ها در تابستان ۱۹۶۵م آغاز شد و در نهایت، کار به اعدام سیدقطب، محمدهواش و عبدالفتاح‌اسماعیل انجامید (بیومی، ۲۵-۲۶). آثار سید قطب نظریه پرداز اسلام‌گرایی، تأثیر عمیقی بر جنبش‌های اسلام‌گرا، جهادی و سلفی گذاشت. محوری‌ترین اندیشه وی، فهم و برداشتی انقلابی از آموزه‌های اسلامی بود. وی متأثر از حسن‌البناء و ابوالاعلی مودودی بود و بر مفهوم حاکمیت الله تأکید داشت. مودودی با تأکید بر حاکمیت الله در برابر حاکمیت بشر، نگره نوینی مطرح کرد که بر اساس آن، دولت اسلامی بدون انقلاب پیشین، محکوم به زوال است (عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ۱۳۱). انقلابی بودن در اندیشه حاکمیت الله به این معناست که رژیم و جامعه موجود، غیرشرعی است و باید آن را تکفیر کرد و در این شرایط، شورش ضد حاکمیت لازم است (هیکل، ۲۲۴). سیدقطب اندیشه‌های مودودی را در کتاب *معالم فی الطریق بومی* کرد و با تحلیل جامعه مصری، زمینه را برای تحولی بنیادین فراهم آورد. او با ترکیب تاکتیکی میان وضعیت فعلی و وضعیت آرمانی، بر آن

بود تا راهکاری جدید برای رهایی از مرحله استضعاف و رسیدن به مرحله جهاد به دست دهد. با این حال، سیدقطب، اوج اندیشه انقلابی و جهادی نبود، بلکه اوج آن در اندیشه‌های مبارزه‌جویانه سازمان جهاد اسلامی و جماعت‌المسلمین تجلی یافت. به عبارت دیگر، اندیشه انقلابی از مودودی به سیدقطب ختم نشد، بلکه در عمل، آن را عبدالسلام فرج، عبودالزمر، احمدشکری مصطفی، صالح‌سریه، طلال‌انصاری پیگیری کردند (بحرانی، ۳۵۰-۳۵۱). دلایل رشد وسیع این نگرش را می‌توان در ایجاد هویت جدید، ارائه راه‌حل برای وضعیت موجود، ایجاد اطمینان و ارائه زندگی بهتر (چه زمینی و چه بهشتی) دانست (دکميجان، ۹۸-۹۹). البته شکست ارتش مصر از رژیم اسرائیل در نبرد ۱۹۶۷م و سازش با اسرائیل از جمله عوامل دیگر رشد این نگرش انقلابی به شمار می‌رود (سیداحمد، ۸۳-۸۷).

دیدگاه‌های سیدقطب موجب برداشت‌ها و تفاسیر گوناگونی گردید و بر چند موضوع تکیه می‌شد: نقش پیشتاژها، ویژگی‌های اعضا و رهبران آن، ماهیت دوری از جامعه و روابط میان پیشتاژان و مسلمان مؤمنی که در نظام جاهلی مشغول زندگی است (سوزنگر، ۳۶۶). در نتیجه، برای دستیابی به مدینه فاضله اسلامی و جامعه‌ای دور از ارزش‌های جاهلی، باید روش مبارزه را تغییر داد و در تکاپوی برپایی دولت اسلامی بود. از رهگذر اختلاف دو نسل جوان و کهنسال که سیاستی محافظه کارانه در برابر رژیم مصر و انورسادات داشت و نسل جوان که در پی مواجهه انقلابی و سیاسی با نظام جاهلی مصر بود، سازمان‌هایی چون جماعت‌المسلمین و جهاد اسلامی مصر سر برآورد.

۴-۱. جماعت‌المسلمین

این گروه را در سال ۱۹۷۰ شکری مصطفی بنیان نهاد. وی تحت تأثیر نوشته‌های سید قطب و ابوالاعلی مودودی، از نابودی جامعه جاهلی مصر و برپایی جامعه اسلامی سخن می‌راند. روش این گروه بر سه اصل استوار بود: تکفیر، هجرت و جنبش (اعراب، ۶۰). این سازمان نظام سادات را تکفیر می‌کرد و هجرت را یکی از شیوه‌ها و ضرورت‌های مبارزه می‌دانست و خود را «التکفیر و الهجره» خواند (کوپل، ۷۷). رسانه‌های مصری آنها را خوارچ قرن بیستم خواندند (ابوالخیر، ۶۱). دیدگاه جماعت در باره سه اصل خود بدین قرار بود که تمام جامعه مصر جاهل هستند، زیرا به حاکمیت بشر به جای حاکمیت الله گردن نهاده‌اند، پس باید تکفیر شوند. همچنین، اگر جامعه‌ای فرمانروایی جاهلی و کافر

داشته باشد، باید مانند پیامبر در هجرت از مکه به مدینه، از این جامعه دوری و هجرت کرد و در پایان، باید گروهی و لو اندک این ساختار جاهلی را تغییر دهند (اعراب، ۶۱). این گروه بر بطلان مکاتب چهارگانه اهل سنت و تکیه صرف بر کلام الله مجید، سرپیچی از علماء و الازهر، ترک اقامه نماز در مساجد، عدم همکاری با حکومت و بطلان ازدواج، تشویق مهاجرت از مصر تأکید می کردند (کوپل، ۸۷-۱۰۰).

به دنبال درگیری اعضای جماعت در سال ۱۹۷۳م با نیروهای پلیس در روستای شیبیه (سلطانی فرد، ۳۹) و نیز درگیری پلیس مصر در ۱۹۷۶م با سایر گروه‌های اسلام‌گرا^۱ عده‌ای از اعضای گروه بازداشت شدند (ابوالخیر ۶۹). با تبلیغات منفی رسانه‌ها و بی‌توجهی به بیانیه‌های رهبر گروه مبنی بر رفع اتهامات از اعضای گروه، برخی از اعضا تصمیم گرفتند با ربودن محمد الذهبی وزیر اوقاف وقت و از منتقدان سرسخت سلفی‌گری، گامی برای قبول تقاضاهای بردارند، اما نتیجه به سرکوب شدید جماعت و کشته شدن محمد ذهبی انجامید. با دستگیری وسیع اعضای گروه و محاکمه سریع آنان و اعدام پنج نفر از سران جماعت از جمله شکری مصطفی، سازمان جماعت در عمل فرو پاشید (کوپل، ۸۶-۸۷).

۴-۲. جهاد اسلامی مصر

این سازمان برخلاف جماعت‌السلیمین عقیده داشت که جاهلیت فقط بر طبقه حاکمه منطبق است و شامل توده‌های مردم نمی‌شود (اعراب، ۶۱). این گروه مهم‌ترین اصل را جهاد و تنها راهبرد برای رسیدن به دولت اسلامی می‌دانند. بنابر فرضیه این گروه، مردم به‌طور عمده طرفدار جهاداند و منتظر رهبری مناسب و شایسته‌اند تا جهاد را آغاز کنند (حسینی، ۲۴۳). شیخ عبدالرحمان رهبر معنوی این گروه بود (احمدی، ۷۳)، اما موسس و رهبر اجرایی آن محمد عبدالسلام فرج بود. کتاب او «الجهاد: واجب‌مکتوم (الفریضه الغائیه)»، با کتاب‌های سیدقطب به سرعت الهام‌بخش جریان‌های سلفی‌جهادی گردید (نک: نبوی، ۲۷۵ و دکمجان، ۱۷۹). به نظر کوپل، این گروه در پی ارائه تفکری انتقادی از تاریخ اسلام است؛ روشی که جنبش اسلامی را به تعالی و پیروزی می‌رساند و روشن است که از شکست‌های گذشته جنبش‌های اسلامی پند گرفته بود، ولی برخلاف سید قطب در *المعالم دیدی جامعه‌شناختی* نداشت و فقط قدرت حاکم را نقد می‌کرد (کوپل، ۲۳۳-۲۳۴).

۱. از نظر این گروه هر کسی که تعالیم این گروه را نپذیرد جاهل است.

۵. تاثیر اندیشه‌های ابوالاعلی مودودی در پیدایش گروه‌های سلفی جهادی تکفیری

سیدابوالاعلی مودودی (۱۹۰۳-۱۹۷۹م) از اندیشمندان و مصلحان شبه قاره هند، نقش مهمی در شکل‌گیری جریان سلفیة جدید داشت. وی از جریان سلفی شبه قاره تاثیر پذیرفته بود که یک سده قبل از وی، همزمان با جریان وهابیت در عربستان، در شبه قاره به کوشش شاه ولی‌الله دهلوی پدید آمده بود. مودودی بنیانگذار حزب جماعت اسلامی یکی از نخستین و تاثیرگذارترین احزاب اسلامی در شبه قاره و به ویژه در پاکستان است (نک: مدخل جماعت اسلامی در دانشنامه جهان اسلام). افکار و اندیشه‌های مودودی را می‌توان در رده اندیشه‌های نوسلفی یا سلفیة متعادل تقسیم‌بندی کرد که به تعدیل و تهذیب سلفیة افراطی در شبه قاره پرداخت، با این همه، برخی بر این باورند که ظهور گروه‌های اسلام‌گرا با خط مشی مسلحانه و زیرزمینی در جهان عرب و مصر تحت تاثیر اندیشه و نگره‌های وی در خصوص مسائلی چون «حاکمیت خداوند»، «جاهلیت» و «تمدن غرب» بوده‌اند (نک: به مطالب پیشین)

مودودی برای اولین بار بحث قیام علیه حاکم مستبد و ستمگر را پیش کشید و مفهوم غلبه جاهلیت مدرن را در دنیای اسلام مطرح کرد. از نظر وی، صرف مسلمان بودن به معنای جدایی از جامعه جاهلی نیست. در این نگره، سید قطب نیز تحت تاثیر او بود. ابوالاعلی برای اثبات ادعاهای خود و افزایش اعتبار استدلال‌هایش به قرآن تمسک می‌جست و قصد داشت بر این اساس جهان‌بینی و نظام سیاسی منظور خویش را بنیان نهد (عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ۱۸۹) و در عین حال، این نظام صرف‌نظر از گرایش‌های گوناگون فرقه‌ای و مذهبی، اشکال و انتقاد عالمان و فقهای دین را کمتر برانگیزد. مودودی نظام اسلامی را جامع‌ترین و کامل‌ترین نظام برمی‌شمارد و برای تمامی نیازهای بشر راهکار پیشنهاد می‌دهد (مودودی، الجهاد فی سبیل‌الله، ۳۱). او با نگاهی نو به مسائل دینی و مذهبی و با شکستن مرزهای باورهای جزمی سلفی، دگرگونی عمیقی در مفاهیم سلفی پدید آورد که به تبدیل مفهوم جاهلیت از دوره ای تاریخی به اندیشه جامعه‌شناختی گردید. او برای اولین بار در فقه اهل سنت، قیام علیه حاکمیت ظالم را نظریه‌پردازی کرد (مودوی، منهج الانقلاب اسلامی، ۹۸). سیاست منظور مودودی، آمیزش دین و سیاست است و بازتابی از دوران طلایی پیامبر و «خلفای راشدین». اندیشه سیاسی مودودی از منابع مختلفی مدد می‌گرفت: وی از ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب و نیز اندیشه‌های سلفی تاثیر پذیرفته و در پی پیرایش و پالایش

دینی بود. از طرف دیگر، وی از اندیشه‌های شاه ولی‌الله دهلوی^۱ و نیز اندیشه‌های اخوان‌الصفا نیز تأثیر پذیرفته بود. فکر مودودی گرچه از حیث نواندیشی و پذیرش علوم غربی به سیداحمدخان^۲ شباهت داشت، از جهاتی مثل اعتقاد به پویایی دین به سیدجمال‌الدین نیز شبیه بود. مودودی از اندیشه تلفیقی شیخ محمد عبده و نیز از دیدگاه‌های محمد رشید رضا در باب خلافت نیز تأثیر پذیرفته بود. او علاوه بر اجتهاد، تفاسیر ادبی و عقلی را برمی‌تافت و علم را ارزشمند می‌دانست و تفاوتی میان مدرنیسم و غربی شدن قائل بود (خسروی، ۲۰۱-۲۰۲). مودودی بر جاهلیت مدرن سخت تأکید می‌کرد. وی بر آن بود که مسلمانان فعلی به دلیل کاهش ذوق عربی و زوال زبان عربی فصیح، معنای واژه‌های الله و رب را برخلاف مسلمانان نخستین درک نمی‌کنند و لغت‌شناسان معنایی در حد بت و مربی برای این واژه‌ها قائلند که با مفاهیم اولیه بسیار متفاوت است (مودودی، برنامه انقلاب اسلامی، ۴۴-۵۰). وی جامعه فعلی را به اجتماعی از جانوران با شکل‌های گوناگون تشبیه کرده است (مودودی، اندیشه‌های اسلامی در سخنان امام ابوالاعلی مودودی، ۳۹-۴۰) که به بیماری مبتلا شده و باید با انقلابی از درون و بیرون به مقابله با این بیماری برخاست (مودودی، برنامه انقلاب اسلامی، ۸۸-۹۰). از نظر وی، ریشه مشکلات جامعه اسلامی در دولت‌های حاکم است (مودودی، اسلام و جاهلیت، ۶۸-۷۰) و برای حل مشکلات در آثار خود، طریق ارائه می‌کند.

نتیجه

در سده‌های میانه، هجوم بیگانان به سرزمین‌های اسلامی و وضع آشفته و نابسامان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مسلمانان، زمینه را برای اندیشه‌های اصلاحی و افراطی پدید آورد. در این میان، ابن‌تیمیه موفق شد اندیشه‌های خویش را بسط دهد. چهار سده بعد، همگام با ضعف حکومت عثمانی و هجوم استعمارگران به سرزمین‌های اسلامی، بار دیگر اندیشه‌های ابن‌تیمیه مطرح و بازخوانی شد. سه گروه در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا بر اساس این نگره‌ها شکل گرفت: وهابی، سنوسی و مهدی‌گرایان. وهابیت با نوعی نگاه افراطی و ارتدوکسی ضمن انکار دست‌آوردهای عقلی، بازگشت به دوران اولیه را برنامه خود قرار داد، در حالی که مهدی‌گرایان توانستند حکومت کم‌دوامی را در

۱. دهلوی (۱۷۰۳-۱۷۶۲) برجسته‌ترین روشنفکر مسلمان قرن هجدهم هند.

۲. سید احمد خان هندی (۱۸۱۷-۱۸۹۸) دانشمند اصلاح طلب هندی بود.

سایه برنامه ای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در سودان دنبال کنند. طریقت سنوسی بیشتر به تربیت و کادرسازی پرداخت و از ورود به عرصه‌های سیاست خودداری کرد و این نکته، رمز ماندگاری و اثرگذاری آن بر جوامع شمال آفریقا است. بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی، سوال اصلی اندیشمندان اصلاحی این بود که آیا لازم است الگوی خلافت اسلامی احیاء شود یا باید الگوی دیگری از نظام‌های سیاسی را جایگزین خلافت اسلامی کرد. برای اولین بار رشیدرضا به این پرسش پاسخ داد و احیاء خلافت اسلامی را پی گرفت. پس از وی، ابوالاعلی مودودی در بسط اندیشه حکومت اسلامی کوشید و اصول قوای سه‌گانه مونتسیکو را با اندیشه اسلامی تطبیق داد و نظامی جدید برای اداره حکومت اسلامی پیشنهاد کرد. شرح وی از جهان‌بینی و ایدئولوژی حکومت اسلامی نظرات نوینی در باب بازگشت به گذشته پدید آورد. دیدگاه وی برای اسلام‌گرایان مصری جذاب بود، آن هم در زمانی که حکومت ناسیونالیست مصر گروه‌های اسلام خواه و اخوان المسلمین را تحت فشار و تعقیب قرار داده بود. این برخورد افراطی به رشد افراطی‌گری منجر شد. سیدقطب، اندیشه‌های مودودی را در جامعه مصر در قالب کتاب *معالم فی الطریق برای جامعه مسلمان و ناراضی از حکومت بازخوانی کرد*. برخورد شدیدتر حکومت ناصر و شکست این حکومت در جنگ سوم اعراب و اسرائیل و نیز مماشات سادات و دادن آزادی‌های وسیع به گروه‌های اسلام‌گرای پیرو اندیشه‌های سیدقطب و مودودی به ایجاد نخستین گروه‌های سلفی در جامعه مصر یاری رساند و سرانجام کار در ۱۹۸۱م به ترور سادات انجامید. به دنبال سرکوب جنبش‌های سلفی که جهاد را هدف غایی خویش برای تشکیل حکومت اسلامی تعیین کردند، فعالیت این گروه‌ها تا مدتی به محاق رفت. در کنار آن، اجازه فعالیت به اخوان‌المسلمین و سایر جنبش‌های اسلامی و نیز جهاد در افغانستان تحت اشغال اتحاد جماهیر شوروی، بسیاری از طرفداران جهاد را به سمت افغانستان سوق داد و از فضای کشورهای عربی دور کرد. در این کشورها با آموزه‌های جنبش‌های سلفی و تکیه‌ها و نیز مدارس ایجاد شده، به تقویت ساختار عقیدتی و فکری خویش پرداختند و هنگامی که نظم حاکم بر منطقه با هجوم آمریکا شکست، افراطی‌ها ساماندهی هواداران خویش را آغاز کردند. بنابراین، آموزه‌های مودودی، سیدقطب و الگوی عملی تکاپای سنوسی و انقلاب مهدیه و تشکیل سازمان‌های انقلابی در مصر و سایر کشورهای عربی و تجربه جهاد افغانستان، به شکل‌گیری سازمان‌های سلفی جهادی تکفیری مانند القاعده و طالبان و داعش منجر شد.

منابع

- ابوالخیر، عبدالرحمن، *ذکریاتی مع جماعه المسلمین (التکفیر و الهجره)*، الکویت: دارالبحوث العلمیه للنشر و التوزیع، ۱۹۸۰.
- احمدی، حمید، *سیر تحول جنبش‌های اسلامی از نهضت سلفی سیدجمال تا بیداری اسلامی*، تهران: دانشگاه امام جعفر صادق (ع)، ۱۳۹۰.
- اسماعیل، محمود، *سلفی‌ها*، ترجمه حسن خاکرند و حجت الله جودکی، تهران: انتشارات بین‌المللی مهدی، ۱۳۹۱.
- أعراب، ابراهیم، *الإسلام السياسي و الحدائنه*، مراکش: دارالبيضاء: أفريقيا الشرق، ۲۰۰۰.
- باروت - الجبایعی - محمد - المدینی - عبدالهادی - جزماني - البقالي، جمال - جادالکریم - ابراهیم - توفیق - انور - حسام - امینه، *الاحزاب و الحركات و الجماعات الاسلامیه*، الطبعة الرابعة، ناشرالمركز العربی للدراسات الاستراتيجیه، دمشق، ۲۰۰۶.
- بحرانی، مرتضی، احمد لطفی السید، *جلد یازدهم، علیخانی علی‌اکبر به نقل از اندیشه سیاسی متفکران مسلمان*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
- البستانی، فؤاد افرام، *فرهنگ المعجم الوسیط (عربی - فارسی)*، ترجمه محمد بندرریگی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۲.
- بکری، توفیق احمد، محمد احمد المهدی، مصر، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۴۴.
- بیومی، زکریا سلیمان، *الاخوان المسلمون بین عبدالناصر و السادات من المنشیه الی المنصه* ۱۹۵۲-۱۹۸۱، قاهره: مکتبه وهبه للطباعه و النشر، ۱۹۸۷.
- پاکتچی، احمد، *تعریف و رابطه دو مفهوم، مندرج در بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی، به کوشش حسین هوشنگی و احمدپاکتچی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام جعفر صادق (ع)، ۱۳۹۳.
- پاکتچی، احمد، *اصحاب حدیث*، چاپ دوم، بنیاد دائره المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۹، ۱۳۸۵.
- پاکتچی، احمد، *اصحاب رأی*، چاپ دوم، بنیاد دائره المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۹، ۱۳۸۵.
- پورسعید، فرزاد، *بیداری اسلامی در جهان عرب*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۲.
- الحمیدی، ابی‌بکر عبدالله بن الزبیر، *اصول السنه*، تحقیق مشعل محمد الحدادی، الکویت: دارابن الاثیر، ۱۹۹۷.
- خدوری، مجید، *گرایش‌های سیاسی در جهان عرب*، چاپ سوم، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
- حائری، عبدالهادی، *ایران و جهان اسلام*، مشهد، ناشرآستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- حاتمی و بحرانی، محمدرضا و مرتضی، *دایره المعارف جنبش‌های اسلامی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۲.
- حسینی، مختار، *برآورد استراتژیک مصر*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۴.

- حورانی، البرت، تاریخ مردمان عرب، مترجم: فرید جواهر کلام، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴.
- حنفی، حسن، الحركات الاسلاميه في مصر، بيروت: المؤسسة اللاسميه للنشر، ۱۹۸۶.
- خسروی، غلامرضا، آراء مودودی، جلد چهاردهم، به نقل از علیخانی علی اکبر و همکاران، اندیشه سیاسی اندیشمندان مسلمان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۰.
- دکمجیان، هراير، جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب: بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی، مترجم: حمید احمدی، چاپ ششم، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۹۰.
- رضوانی، علی اصغر، سلفی گری در بوتۀ نقد، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری مشعر، ۱۳۹۰.
- رجایی فرهنگ، اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب: از قرارداد پارساروویتز تا قرارداد غزه-اریحا، تهران: مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۱.
- رنجبر شیرازی، نجاتی آرانی، فاطمی صدر، مصطفی، حمزه، امیر، جریان شناسی داعش: چیستی، شاخصه ها و راهکارهای مواجهه، تهران: انتشارات سخنوران، ۱۳۹۳.
- زاهدی، سعید، ماضی استمراری: سلفی گری در جهان اسلام از وهابیت تا القاعده، تهران: عابد، ۱۳۹۱.
- زریاب، عباس، ابن تیمه، دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد سوم، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴.
- زهرالدین، صالح، الحركات و الاحزاب الاسلاميه و فهم الآخر، بيروت: ناشر دارالساقی، ۲۰۱۲.
- زین العابدین، محمد سرور، جماعه المسلمین، الطبعة الرابعة، لندن: دارالجایبه، ن. ت.
- سبحانی، جعفر، سلفی گری در آئینه تاریخ، قم: توحید، ۱۳۹۲.
- سلطانی فرد، محمدحسین، ریشه ها و تاریخچه اصولگرایی در مصر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۶.
- سوزنگر، سیروس، سیدقطب، جلد چهاردهم، به نقل از علیخانی علی اکبر و همکاران، اندیشه سیاسی اندیشمندان مسلمان، جلد چهاردهم، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۰.
- سیداحمد، رفعت، قرآن و سیف، الطبعة الثانية، قاهره: مکتبه مدبولی، ۲۰۰۲.
- شریف حیدری، محمد، جستارهایی در نقد و بررسی جریان سلفی گری و وهابیت- سلفی گری نوین در تقابل با راهبرد وحدت اسلامی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۹۰.
- شیرودی، مرتضی، جنبش ها و نهضت های سیاسی معاصر، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۹۰.
- صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، چاپ هشتم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۹۱.
- طیبی، نجم الدین، السلف و السلفیون، الطبعة الثالثة، قم: ذکری، ۱۴۳۰.
- صلابی، علی محمد، تاریخ الحركة السنوسیه فی افريقية، بيروت: دارالمعرفه، ۲۰۰۹.
- ضیایی و رفیعی، رحمت الله و حمیدالله، کالبدشکافی عقاید وهابیت، تهران: مشعر، ۱۳۹۰.
- عبدالحمید، صائب، ابن تیمیه فی صورته الحقیقه، بيروت: الغدير للدراسات و النشر، ۱۹۹۵.

- عبدی پور، حسن، جریان شناسی سلفی گری معاصر، قم: انتشارات مؤلف، ۱۳۹۳.
- العجم، رفیق، موسوعه مصطلحات ابن تیمیه (حججه الاسلام)، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ۲۰۰۳.
- عرب، محمد حسن، فرهنگ نمونه (القاموس الحدیث)، تهران: فرهنگ مکتوب، ۱۳۹۰.
- علی زاده موسوی، سید مهدی، سلفی گری و وهابیت، قم: انتشارات پاداندریشه، ۱۳۸۹.
- عزیزی و قره زاده شریانی، بهروز و فرهاد، پژوهشی پیرامون وهابیت، تهران: فرهاد قره زاده شریانی، ۱۳۹۲.
- عنایت حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵.
- عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۹.
- علی زاده موسوی، سید مهدی، سلفی گری و وهابیت، قم: انتشارات پاداندریشه، ۱۳۸۹.
- علیخانی، علی اکبر، محمد عبدالوهاب، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، مجموع مقالات، جلد هفتم، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۰.
- علیخانی، علی اکبر، ابن تیمیه، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، مجموع مقالات، جلد چهارم، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۰.
- غلامی، رضا، تاریخ خلافت مدرن: تب خلافت داعش، دامس، القاعده، بوکوحرام و طالبان در سپیده دمان قرن بیست و یکم، تهران: انتشارات آوای مکتوب، ۱۳۹۴.
- فرازی، عبدالوهاب، رهیافتی به علم سیاست و جنبش های اسلامی معاصر، چاپ دوم قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۲.
- الفرج، عبدالسلام، الجهاد: الفریضه الغایبه، ن.م، ن.ل، ۱۹۸۱.
- القدال، محمد سعید، الامام المهدی: محمد احمد بن عبدالله، بیروت: دارالجيل، ۱۹۹۲.
- کردفانی، اسماعیل عبدالقادر، سعادة المستهدی بسیره الامام المهدی، بیروت: دارالجيل، ۱۹۸۲.
- کویل، ژیل، پیامبر و فرعون، مترجم: حمید احمدی، چاپ سوم، تهران: شرکت انتشارات کیهان، ۱۳۸۲.
- لاپیدوس، آیرا ماروین، نگاهی تاریخی به جنبش های اسلامی معاصر، ترجمه مهدی رجبی، مشهد: انتشارات مرندیز، ۱۳۹۳.
- مبروک، محمد ابراهیم، حقیقه العلمانیه و الصراع بین الاسلامیین و العلمانیین، اسکندریه: مکتبه و مطبعه الاشعاع الفنیه، ۲۰۰۰.
- مودودی، ابوالعلاء، اسلام و جاهلیت، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران: کتاب فروشی فردوسی، ۱۳۳۳.
- مودودی، ابوالعلاء، اندیشه های اسلامی در سخنان امام ابوالاعلی مودودی، ترجمه سلامی نذیر احمد، تهران: نشر احسان، ۱۳۸۸.
- مودودی، ابوالعلاء، برنامه انقلاب اسلامی، غلامرضا سعیدی، اصفهان: خرد، بی تا.

مودودی، ابوالعلاء، *الجهاد فی سبیل الله، بی جا: الاتحاد الاسلامی العالمی للمنظمات الطلابیه، ۱۳۸۹ق.*
مودودی، ابوالعلاء، *مرزهای عقیده یا ایدئولوژی اسلامی، جواد هشترودی، تهران: شرکت سهامی انتشار، بی تا.*

مودودی، ابوالعلاء، *منهاج الانقلاب الاسلامی، تعریب: مسعود الندوی، ن.م: دارالفکر، ن.ت.*
موسی، محمدیوسف، *ابن تیمیه، القاهره: مکتبه مصر، ۱۹۶۲.*
نبوی، سیدعبدالامیر، *حسن البناء، جلد چهارم، به نقل از حاتمی محمدرضا و بحرانی مرتضی،*
دایره المعارف جنبشهای اسلامی، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۲.
هیکل، حسنین، *پاییز خشم، مترجم: محمدکاظم موسائی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.*